

انگیزه سازی

کسی که می‌خواهد ساختمان بسازد قبل از هر کاری به دنبال کشیدن نقشه می‌رود با وجود نقشه مشخص است که این ساختمان چند طبقه است و چه استحکاماتی نیاز دارد، اتاق و آشپزخانه و پذیرایی در کدام قسمت ساخته می‌شوند، در واقع هر حرکتی نیاز به هدف و نقشه دارد و بدون آن حرکت آغاز نمی‌گردد. لذا انسان برای هر کاری باید هدف داشته و علت انجام آن کار را جویا شویم.

لذا در تاریخ و وقایع مختلفی که برای مسلمین در طی سالهای مختلف اتفاق افتاده است یکی از مهمترین اصول این است که بتوانیم علت و هدف از قیام‌ها و وقایع مختلف را تحلیل کنیم که بتوانیم نتایجی را برای بهره‌گیری در زندگی استفاده کنیم. مانند اینکه چرا امیرالمومنین ۲۵ سال خانه نشین می‌شود یا چرایی تحقق جنگ جمل از طرف دوستان دیروز علی علیه السلام با ایشان همچنان عدم پیروزی امیرالمومنین در صفین با اینکه حضرت تا مرز پیروزی رفته بودند ولی در جریان حکمیت امیرالمومنین به کنار می‌روند یا چرایی صلح امام حسن علیه السلام و حوادثی که اتفاق افتاد یا در مورد امام حسین علیه السلام در حال غربت به شهادت می‌رسند.

البته در تاریخ معاصر انقلاب اسلامی هم وقایع و اتفاقات بسیاری رقم خورده است که باید مورد تحلیل واقع شود که یکی از آن وقایع جریان ۱۳ آبان است ۱۳ آبان را می‌توان همانطور که امام خمینی به عنوان انقلاب دوم ایران معرفی می‌کنند منشاء تحولات بنیادین و اساسی در ایران دانست که اصل و اساس آن را می‌توان اصل انقلاب اسلامی سال ۵۷ بیان کرد.

اقناع اندیشه

شما در زیارت عاشورا می‌خوانید: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ [۱]؛ یا ابا عبدالله من از خدا می‌خواهم که با شما باشم و در عین حال دشمنی با دشمنان و تبری از آنها بجویم.» اینکه کسی معرفت به امامش داشته باشد، محبت به سیدالشهدا داشته باشد کافی نیست، اینکه فقط کسی نفرت از دشمنان خدا را در دل داشته باشد و بداند دشمن خدا کیست، یزید کیست، شمر کیست، سنان بن انس کیست، یا یزید زمان صرفا کیست، این کافی نیست.

زیارت عاشورا به ما می‌آموزد که تو باید با امام حسین زندگی کنی، سیدالشهدا امام حی است، شهید است. با او باید زندگی کنی؛ لذا تحقق عینی محبت به ساحت مقدس سیدالشهدا و ارادت به سیدالشهدا استکبارستیزی بود، نه فقط برائت قلبی بلکه وارد شدن و جهاد کردن از الزامات آن است.

لذا از مهمترین اهداف امام حسین علیه السلام در مبارزه با دشمن به این موارد می‌توان اشاره داشت.

الف: اعلام عدم شایستگی یزید برای خلافت
«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ بَنَّا فَتَحَ اللَّهُ وَ بَنَّا خَتَمَ اللَّهُ وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِّئٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ بِمِثْلِهِ؛ ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کانون رسالت هستیم و آستانه ما محل رفت و آمد فرشتگان است، دفتر هستی به وسیله ما باز می‌شود و صراط کمال به وسیله ما ختم می‌گردد، یزید مردی فاسق شرابخوار، آدمکش و جنایتکار آشکار و گستاخ است و مثلی لا یبایع بمثله، شخصی مثل من با فردی مثل او بیعت نمی‌کند.» [۲]

ب: تصریح به شایستگی خود برای خلافت

امام حسین علیه السلام علاوه بر اینکه یزید را شایسته‌ی این جایگاه والا نمی‌دانست به شایستگی خود نسبت به امر ولایت و حاکمیت اسلامی تصریح می‌کند.

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا ابْنُ بَنِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ نَحْنُ أَوْلِي بَوْلَايَةِ هَذِهِ الْأُمُورِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَوْلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَ السَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ، فَإِنْ تَنَقَّوْا بِاللَّهِ وَ تَعَرَّفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ فَيَكُونُ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضَى، وَ إِنْ كَرِهْتُمُونَا وَ جَهَلْتُمْ حَقَّنَا وَ كَانِ رَأْيَكُمْ عَلَيَّ خِلَافِ مَا جَاءَتْ بِهِ كُتُبُكُمْ وَ قَدِمَتْ بِهِ رُسُلُكُمْ أَنْصَرَفْتُ عَنْكُمْ؛ (ای مردم! من فرزند دختر رسول خدایم، ما به ولایتین امور بر شما (امامت بر مسلمین) از این مدعیان دروغین که در میانان به ظلم و ستم و تجاوز رفتار می‌کنند سزاوارتریم. اگر به خدا اعتماد کنید و صاحبان حق را بشناسید، مایه خشنودی خداوند است و اگر ما را ناخوش داشته و حق ما را نشناسید و عقیده شما برخلاف آن باشد که در نامه‌هایتان نوشته‌اید و فرستادگانتان گفتند، از نزد شما باز می‌گردم.» [۳]

امام خمینی نیز با انقلاب اسلامی سال ۵۷ هم بی‌اعتباری و غیر قانونی بودن حکومت شاهنشاه رو بیان داشته‌اند و هم با سخنرانی در بهشت زهرا بعد از ورود به ایران در سال ۵۷ نقش و جایگاه ولایت فقیه را برای مردم ترسیم کردند. لذا انقلاب بهمن ۵۷ را می‌توان نقطه‌ی آغازین برای مبارزه با استکبار و از بین بردن لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ را ادامه‌ی همان تفکر دانست و بیان داشت که مردم با تشخیص درست پازل مبارزه با استکبار و امپریالیسم زمانه را با حذف آمریکا از ایران کامل کردند.

امام خمینی (س) در مورد ۱۳ آبا فرمودند: آن مرکزی هم که جوان های ما رفتند گرفتند- آنطور که اطلاع دادند- مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. امریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند و جوان های ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوان ها را بگویم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند. جوان ها یک کاری کردند برای اینکه دیدند، آخر ناراحت کردند این جوان ها را. [۱۴]

بر این اساس مبارزه با آمریکا با حذف فیزیکی در ایران در ۱۳ آبا سال ۵۷ را می توان منشأ آثار فراوانی برای کشور بیان داشت:

۱- عزت و سربلندی و مبارزه علیه ظلم و بیداد

امروز جمهوری اسلامی را می توان یکی از مهمترین کشورها در جهان بالاخص منطقه غرب آسیا بشمار آورد و این عزت و سربلندی مدیون خون شهدا و ایستادگی در مقابل دشمنان و بالاخص آمریکا می باشد. امروز ایران را می توان یکی از مهمترین کشورها در مبارزه و مقابله با تروریست و متحدان آنها دانست که این عزت و عظمت در ایران را ثمره ی مبارزه با آمریکا و متحدان او است. امروز مردم لبنان، عراق، سوریه، یمن و کلیه مردم عدالت خواه جهان ایران را با اسم مبارز خط مقدم با تروریست دانسته و آمریکا و متحدانش را در صف حامیان آنها می دانند و این الگویی است که امام حسین به ما یاد داده است. عزتی که امام حسین (ع) به واسطه ی استکبارستیزی برای خود رقم زد، امام علیه السلام وقتی خواستند بسوی کوفه حرکت کنند فرمودند: «وَأَبِي لَمْ أَخْرَجْ أَشِيرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَ أَرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسَبِيلَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ مَنْ بِهِ شِيْوَهِ جَدِّمِ رَسُولِ اللَّهِ وَ يَدْرِمِ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ قِيَامِ مِي كُنْم.» [۱۵]

و سند جریان استکبارستیزی در کربلا، این کلام امام حسین (ع) است که حضرت در یکی از منازل بین راه در مورد اهداف قیام خود فرمود: «إِنِّي أَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِرًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ؛ أَي مَرْدَم! يَا مَبْرِ خَدَا فَرْمُود: هَر مَسْلَمَانِي بَا سُلْطَانِي زُورْگُو مَوَاجِهْ گَرْدَدْ كِه حَرَامِ خَدَا رَا حَلَالِ نَمُودَه پِيْمَانِ الهِي رَا دَر هَم شَكَنْد، بَا قَانُونِ پِيَامِبِرِ مَخَالَفَتِ كَنْد، دَر مِيَانِ بَنْدگانِ خَدَا رَاهِ گَنَاهِ وَ مَعْصِيَتِ وَ عَدْوَانِ وَ دَشْمَنِي رَا تَرْوِيحِ نَمَايَد. و لي او در مقابل چنین سلطانی، با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت ننماید بر خداوند است که این فرد را به محل همان طغیانگر در آتش جهنم داخل کند، ای مردم! آگاه باشید اینان (بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را بر خود فرض نموده اند فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده و حلال و حرام خداوند را تغییر داده اند و من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان و قیام بر ضد این همه فساد و مفسدین که دین جدّم را تغییر داده اند از دیگران شایسته ترم.» [۱۶]

۲- دمیده شدن روح امر به معروف و جهاد

شهید مطهری در کتاب ریشه های انقلاب اسلامی خاطره ای را نقل می کند ایشان می فرمایند:

«من در حدود پانزده سال پیش- شاید قبل از ۱۵ خرداد- در یکی از جلسات انجمن اسلامی مهندسين که درباره امر به معروف و نهی از منکر بحث می کردم متوجه نکته ای شدم. امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابواب فقه ماست و به اصطلاح فقهی و فقهایی یکی از کتب فقه ماست یعنی ابواب فقه که به ترتیب از طهارت و انواع طهارتها شروع می شود و بعد نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، بعد امر به معروف و نهی از منکر است و بعد بیع و اجاره و رهن و وکالت، تا به باب ارث و دیات می رسد.

وقتی که در تاریخ مطالعه می کنیم می بینیم که در حدود دویست سال است که امر به معروف و نهی از منکر از کتابهای فارسی فقه ما افتاده است، مثل این که یک امر غیر لازمی باشد. همین طور جهاد. نمی خواهم بگویم شخص معینی تعمد داشته است؛ می خواهم بگویم روحیه ملت ما به این سو می آمده است. آنجا تقریباً به دست آوردم که این امر از کی و در چه زمانی بوده است. از صد سال پیش مصلحان و انقلابیون اسلامی، پیشروان و رهبران انقلابی اسلامی از نو کتاب جهاد و کتاب امر به معروف و نهی از منکر را برای جامعه ما طرح کردند که شما می بینید در این چهل پنجاه سال اخیر در این زمینه زیاد سخن گفته شده است. این مصلحان و رهبران انقلابی بدر این حالت تهاجم، تعرض و شورش بر نظامهای فاسد حاکم را در حالی که از روح اسلامی سرچشمه می گرفت.» [۱۷]

این روحیه امر به معروف و نهی از منکر در دل مردم ایران را می توان نقطه ی عطفی برای مبارزه با مستکبران و دشمنان دانست که باعث حذف آمریکا از قلمرو خاکی ایران شده است که امروزه مسئولین ما به راحتی و بدون ترس از هیچ ابرقدرتی در سازمانها و همایش های بین المللی به انتقاد و روشنگری علیه ظالمان و بالاخص مستکبران انجام دهند.

پرورش احساس

۱۳ آبان روز مبارزه با استکبار است که در پیش قراول استکبار جهانی آمریکا است که شخصیت بزرگی مانند امام خمینی این روح را در مردم دمید و مردم توانستند با آغاز انقلاب اسلامی و در ادامه حذف فیزیکی آمریکا در ایران نقطه ی عطفی برای مبارزه با ظالمان و استکبار جهانی را آغاز کنند.

محسن رضایی در خصوص پیام امام خمینی در عملیات خیبر نقل می کند:
نیروهای ما در عملیات خیبر به دو نقطه حساس دشمن حمله کردند یکی منطقه دجله و دیگری جزایر خیبر پس از یک هفته جنگیدن به دلیل مشکلات در مهمات رسانی و نبودن آتش توپخانه ناچار به عقب نشینی شدیم و تنها جزایر خیبر دست ما بود در روز هفتم احمد آقا فرزند حضرت امام تلفنی پیام حضرت امام را به من دادند «به فرمانده هان سپاه بگویند جزایر خیبر را باید حفظ کنند.» من به اولین کسی که بی سیم زدم احمد کاظمی بود به محض اینکه احمد کاظمی پیام امام را از من شنید گفت: چشم چشم

از آن طرف دشمن چندین شبانه روز به صورت مستمر به جزایر حمله می کرد و آتش می ریخت ولی احمد کاظمی مقاومت می کرد پس از دو هفته مقاومت که به قرارگاه مرکزی آمد سر و صورتش خاک گرفته و از دود آتش خمپاره سیاه شده بود بسیار خسته و ژولیده بود او را بغل کردم و بوسیدم و گفتند: «احمد تو خیلی زحمت کشیدی» احمد کاظمی در جواب من گفت: وقتی پیام امام را به من دادی من همه نیروهای را صدا زدم و گفتم اینجا عاشوراست باید به هر قیمتی شده جزیره را حفظ کنیم و خودم رفتم خط مقدم و کنار رزمندگان جنگیدم. عملیات به سختی دنبال می شد و فقط غیرت بچه ها بود که کار را جلو می برد منحنی زن های عراق منطقه را می زدند و به و خمپاره ای بر زمین می نشست و رزمنده ای بر زمین می افتاد در آن سختی کار شهید میثمی گفت:
«هر که در طلائی ایستاد اگر در کربلا هم بود، می ایستاد.»

شهید همت در شرایطی که با کمبود نیرو و تجهیزات مواجه بود گفت: اگر خودمان مرده ایم، اسلحه دست می گیریم و می جنگیم.» طبق آمار در طی سه روز عراق حدود یک میلیون خمپاره در جزیره زد ولی جزیره حفظ شد [۱۸].

این یعنی همان استادگی در مقابل ظلم و جور و استکبار ولو با دست خالی.

رفتارسازی

وضعیت امروز کشور ما هم با دوران انقلاب و جنگ هیچ تفاوتی ندارد دشمن همان دشمن و رویکرد همان ضدیت با کشور است و باید این را به یاد داشته باشیم که دشمن در طی این چند سال زخم های بسیاری از ما خورده است و به دنبال جبران صدماتی است که از ما دیده است و این نیاز به بصیرت ماست که دشمن را خوب بشناسیم و همان روحیه انقلابی ای در ابتدای انقلاب در انقلابیون موجود بوده است در امروز هم حفظ شود.

امام خمینی در مورد ثمرات مبارزه با امریکا و استکبار ستیزی می فرمایند:

«کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بنده استخوان های مان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.» [۱۹]

امروز باید بدانیم که سازش و تسلیم در برابر دشمنان چیزی جز حقارت و شکست چیزی در پی نخواهد داشت تجربه ای که ما در چند سال گذشته ان را تجربه کرده ایم که در ابتدای امر وقتی مقاومت و ایستادگی بر سر آرمانها و منافع ملی بود دشمن را مجبور به مذاکره کرد اما وقتی نگاه و روش از حالت مقاومت و ایستادگی به سازش و کوتاه آمدن از بعضی اصول شد چیزی جز خسارات و عقب نشینی در پی نداشته است.

ذکر مصیبت

چون امروز روز دانش آموز است یکی از الگوهای صحرای کربلا یک نوجوان ۱۳ ساله ای به نام قاسم بن الحسن امروز دل هامون رو ببریم در خونه ای آقا زاده.....

حدیث عشق تو دیوانه کرده عالم را

به خون نشانده دل دودمان آدم را

غم تو موهبت کبریاست در دل من

نمیدم به سرور بهشت این غم را

حسین جان .. حسین جان ..

غبار ماتم تو به من آبرو بخشید (۲)

به عالمی ندهم این غبار ماتم را

حسین جان .. حسین جان ..
زمان به یاد عزایت محرم است حسین
اگر چه شور دگر داده این محرم را
حسین جان .. حسین جان ..
چی میخوام بگم آقای من؟
به نیم قطره اشک محبت ندهم

اگر دهم به دستم تمام عالم را
حسین جان .. حسین جان ..

حرف آخر و بزمن

اگر بناست دمی بی تو بگذرد عمر من حسین
هزار بار بمیرم نبینم آن دم را
اگر بناست دمی بی تو بگذرد عمرم
هزار بار بمیرم نبینم آن دم را
اگر که بند بند من جدا کند عدوی تو
مرا زتو، تو را زمن نمی کند جدا حسین
حسین من .. حسین من ..

خدا نکرده دست رد اگر زنی به سینه ام
من شکسته دل بگو که رو کنم کجا حسین

حسین من .. حسین من ..

هر چوری بود از عمو اجازه گرفت عمو رو راضی کرد وارد میدان شد این سرباز سیزده ساله رجز میخونه " اِنْ تَنْكُرُونِي فَأَنَا ابْنُ الْحَسَنِ سِبْطُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى فدایش بشم قریب به ۳۵ نفر رو به درک واصل کرد، نانجیبی گفت به خدا من این پسر می کشم کاری کرد دیگه از اسب رو زمین افتاد ناله اش بلند شد صدا زد : اغثنی یا عمّاه ...

عمو ، به فریادم برس ...

مثل باز شکاری عمو اومد ، دید قاتل بالاسر قاسم، جنگ مغلوبه شد ... یه وقت صدای ناله قاسم بلند شد، ای عمو :

ای عمو یک دم بدار از جنگ دست

زیر سم مرکب اعضايم شکست ...

حسین .. حسین ..

اگر این مطلب صحیح بوده باشه تنها بدنی که کربلا دوبار زیر سم اسب رفت همین نازنین بدن بود ..

گر چه لعل تو آب و تن تو تاب ندارد
دلت هوایِ دگر غیر روی باب ندارد
تو آن نه ای که جواب عموی خویش نگویی
لبان تشنه ی تو نیرویِ جواب ندارد

حسین .. حسین ..

نمی رسید اگر پات بر رکاب مخور غم
(یه سرباز سیزده ساله مگر چقدر قد و قامت داره)
نمی رسید اگر بر رکاب، پای تو، جا داشت
که چشم قابل پای تو را رکاب ندارد

حسین .. حسین ..

ذبیح، پا به زمین سود و آب یافت ولیکن
مَسای پا که عمو دسترس به آب ندارد
زمن بگوی به گلچین تلاش بی‌هده کردی
گلی که آب نخورده دگر گلاب ندارد ..

حسین .. حسین ..

* همین که گرد و غبار معرکه فرو نشست دیدن قاسم رو زمین افتاده، عمو بالاسرش ... قاسم پاها رو جمع می کنه باز
می کنه ... یعنی جلو چشم عمو داره جان میده ...

عمو صبر کرد تا روح از بدنش مفارقت کرد، صدا می زد قاسمم، برا عموت سخته او راه یاری بطلبی نتواند اگر بتواند برات
سودی نداشته باشد حسین .. یه جمله بیشتر عرض ادب ندارم ، برداشت سینه قاسم رو به سینه
چسبانید، کنایه فهما اهل روضه دلسوخته ها ، گریه کنایه بیت گفتم، شنیدید: *

نمی رسید اگر بر رکاب، پای تو، جا داشت
که چشم قابل پای تو را رکاب ندارد

*حالا راوی می‌گه یادم نمیره دیدم سینه قاسم رو به سینه چسبانیده ، اما پاهایِ قاسم رو زمین کشیده میشه ..

حسین .. حسین .. بمیرم ، بمیرم ...*

خسته جان پیکرش از لطف در آغوش کشید

رو به سویِ حرم آورد و به فریاد آمد

کاک عروس حسن از بخت شکایت منما

حجّله حسن بیارای که دماذ آمد

اونم با چه قد و بالایی ... حسین .. حسین ..

عمو ، یتیم حسنم

- ۳] [فتوح ابن عثم، ج ۵، ص ۱۳۷
- ۴] [صحیفه امام خمینی، ج ۱۰، ص ۴۹۱
- ۵] [بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۴، ص: ۳۲۹
- ۶] [تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۰۴؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۵۲
- ۷] [ریشه های انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳
- ۸] [تنبیه متجاوز، ج ۲، ص ۹۱
- ۹] [صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۹۸